

بررسی ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

اسداله پاکیان^۱ - احمد آذین^۲ - مسعود جعفری نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۷

چکیده:

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مولفه‌های تعیین کننده شناخته می‌شود. به هر میزان دیپلماسی عمومی قوی باشد، کشور در راه دستیابی به منافع ملی با مشکلات کمتری روبرو خواهد شد. با توجه به این امر، سوال اصلی مقاله این است که دیپلماسی عمومی مورد نظر مقام معظم رهبری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای چه شاخص‌ها و مولفه‌هایی است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که دیپلماسی عمومی مورد نظر مقام معظم رهبری در سیاست خارجی دارای مولفه‌هایی از قبیل به رسمیت نشناختن اسرائیل، تقویت خط امام^(۵)، مجموعه سازی در سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام می‌باشد. در واقع این مولفه‌ها، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان محورهای اصلی و اساسی شناخته می‌شوند. نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، مقام معظم رهبری، سیاست خارجی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
ilamilam98@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول

Dr.azinahmad@gmail.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
Pegah420ma@yahoo.com

مقدمه

در مطالعه سیاست بین‌الملل عنصر اصلی دولت است و بر حسب تعریف، دولت عبارت از عده ایی مردم است که در سرزمین مشخص به طور دائم اسکان دارند و دارای حکومتی هستند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کند و از حاکمیتی برخوردارند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی، آنها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد.

دولتها بعنوان عنصر اصلی سیاست بین‌الملل در کنار سایر عناصر تاثیرگذار در مناسبات بین‌المللی، در محیطی بنام نظام بین‌الملل، عمل می‌نمایند که این نظام به مجموعه رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های واحدهای مزبور (دولت و سایر عناصر) تاثیر می‌گذارد. لازم به ذکر است که این نظام از مجموعه‌ای متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هرگونه تغییر در هر یک از عناصر متشکله نظام به سایر بخش‌های آن نیز سرایت می‌کند و آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

دولتها در ساختار نظام بین‌الملل به دو گروه تقسیم بندی می‌شوند:

۱- کشورهای حافظ وضع موجود:

کشورهای طرفدار وضع موجود هستند که نگاه به داخل دارند و نسبت به ساختار جامعه بین‌المللی اعتراضی ندارند، بلکه هر گونه تغییری را در نظام بین‌الملل مغایر با نفع خودشان می‌دانند. سوئد نمونه‌ای از این نوع کشورهاست.

۲- کشورهای تجدید نظر طلب:

بعضی از کشورها در دنیا وجود دارند که ساختار نظام بین‌الملل را نمی‌پذیرند و خواستار تغییر و تجدید نظر در قراردادها و دگرگونی در بافت بین‌المللی هستند، این نظامها تمام تلاش خود را بکار می‌گیرند تا بتوانند تحولات مورد نظر خودشان را در سیستم بین‌المللی ایجاد بکنند. ایران، روسیه و آمریکا نمونه‌هایی از این کشورها هستند.

در این مقاله می‌خواهیم بیان نمائیم که در کنار ساختار رسمی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی مان، به لحاظ نوع نظام سیاسی کشورمان، که آن را از سایر نظام‌های سیاسی در دنیا متمایز نموده (نظام ولایت فقیه) از ابتدای حدوث انقلاب اسلامی ایران به سال ۱۳۵۷، حاکمیت یا مقام عالی حاکم بر کشور است که ضمن ارائه راهکار، مشی و راهبرد کلان به دستگاه دیپلماسی کشورمان، زمینه شکل‌گیری استراتژی و سیاست خارجی ایران را تسهیل می‌نماید که متناسب با مقتضیات زمان و مکان از تکنیک‌ها و روش‌های مختلف بهره‌برداری می‌نماید.

از جمله روش های مقتضی و مناسب این دوره، «دیپلماسی عمومی» است، که مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» از آن بهره گرفته و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و اهداف سیاست خارجی کشورمان را از آن طریق پیگیری می نماید.

مفهوم دیپلماسی

در متون تخصصی روابط بین الملل و سیاست خارجی می توان تعاریف متعددی را برای دیپلماسی سراغ گرفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند:

- عده ای دیپلماسی را «عمل هدایت روابط میان دولت ها از طریق نمایندگان رسمی آنها در داخل و خارج کشورها» تعریف می کنند. از این حیث باید دیپلماسی را نظام ارتباطات در جامعه بین المللی دانست که در چارچوب آن دولت ها با یکدیگر تعامل دارند و روابط قاعده مند و پیچیده ای برقرار می کنند. (بریج^۱ و جیمز^۲، ۲۰۰۱: ۶۲-۶۳) بر مبنای تعریف فوق هدف دیپلماسی هدایت روابط بین کشورهای مستقل با وساطت نمایندگان منصوب آنها و کارکرد عمده آن مدیریت روابط بین الملل به وسیله مذاکره است. (ملیسن^۳، ۲۰۰۵: ۵)

- عده ای دیگر دیپلماسی را «فن مدیریت تعامل با جهان خارج» یا «هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین المللی و حل و فصل اختلافات بین المللی از طریق شیوه های مسالمت آمیز» دانسته اند. (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۸۸)

مفهوم دیپلماسی عمومی

عبارت دیپلماسی عمومی در حوزه مطالعات روابط بین الملل، اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ عمدتاً برای توصیف جنبه های جدید دیپلماسی بین المللی رایج شد. اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ در آمریکا توسط ادموند گولیون رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر در دانشگاه تافنز به کار گرفته شد و عبارت است از: «ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی». با این تعریف مسائلی از قبیل اعزام دانشجو به خارج، پذیرش بورس های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرآیند ارتباط میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره های هنری، همایش ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه های

1. Berridge

2. James

3. Melissen

صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی، همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث می‌باشد.

شاید مختصرترین و روشن‌ترین تعریف ارائه شده از دیپلماسی عمومی در مقاله پل شارپ آمده است؛ در جایی که او دیپلماسی عمومی را این چنین تعریف می‌کند: فرآیندی که به وسیله آن ارتباطات مستقیم با مردم در یک کشور برای پیش بردن منافع و گسترش ارزش‌هایی که معرفی می‌شوند، تعقیب می‌گردد. (ملیسن، ۱۳۸۷: ۵۳) در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵ در تعریف دیپلماسی عمومی آورده شده:

دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است. همچنین آژانس تبلیغات آمریکا، دیپلماسی عمومی را دیپلماسی از طریق درک توده‌های مردم بیگانه، دادن پیام برای آنان، فعالیت به منظور تاثیرگذاری بر آنها و توسعه گفتگو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی از یک سو و نهادهای بیگانه از سوی دیگر می‌داند که باعث تقویت منافع ملی ایالات متحده می‌شود.

سطوح دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

الف- سطح منطقه‌ای:

در سطح منطقه‌ای که نخستین سطح بوده است و کشورهای مجاور همسایگان ایران را در بر می‌گیرد، انقلاب اسلامی بیشترین و سریع‌ترین تأثیرات را بر جای می‌گذارد. امواج ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران خیلی سریع در پایتخت کشورهای همسایه و در شهرهای کوچک و بزرگ آنان انعکاس گسترده‌ای یافت و دولتها و ملت‌های منطقه عکس‌العمل‌های متفاوتی به آن نشان دادند.

در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب در ایران کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده آمریکا تمام سعی خود را بکار بردند با یاری گرفتن از ابزار تبلیغاتی خود و ایجاد جنگ روانی این احساس خطر و ذهنیت منفی و تهدید آمیز رهبران کشورهای منطقه را از انقلاب ایران به حداکثر برسانند و وانمود کنند که رهبران ایران در صددند تا با توسل به ابزار فیزیکی و خشونت آمیز، انقلاب خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به این کشورها صادر کنند. گرچه

رهبران جمهوری اسلامی همواره هرگونه تلاش برای صدور فیزیکی انقلاب یا مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر را تکذیب می کردند، از تاثیرگذاری و الهام بخشی امواج انقلاب ایران خشنود بودند. (حسن خانی، ۱۳۸۷: ۳۴۵-۳۴۴)

ب- سطح جهان اسلام:

انقلاب اسلامی ایران شاید بیشترین و عمیق ترین بازتاب و تاثیرات خود را در سطح دوم یعنی جهان اسلام داشت. جهان اسلامی که همه کشورهای مسلمان مجاور و همسایه ایران، جنوب و جنوب شرق آسیا، خاورمیانه عربی، شمال آفریقا و حتی جوامع اسلامی در اروپای غربی و آمریکای شمالی را نیز در بر می گیرد. نکته جالب توجه در این خصوص تاکید آشکار و پافشاری شدید رهبری انقلاب بر این بعد انقلاب و طرح ها و اندیشه های آن برای جهان اسلام است.

برنارد لوئیس^۱ استاد دانشگاه پرینستون^۲ و مستشرق جنرال برانگیز آمریکایی ضمن یک سخنرانی در موسسه مطالعات عالی ریموند ماکلر^۳ در دانشگاه تل آویو در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۹، در توصیف انقلاب اسلامی آن را انقلابی واقعی و دارای اصالت و در ردیف انقلاب های بزرگ تاریخ یعنی انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه ذکر می کند. وی سپس با اذعان به اهمیت و نقش انقلاب ایران در جهان اسلام اظهار می کند، که این انقلاب تاثیرات شگرف و عمیقی در تمامی جوامعی که با آنها منظومه گفتمان مشترک داشت برجای گذارد و از این حیث جهان اسلام در کلیت خود از انقلاب ایران تاثیر پذیرفت. (لوئیس، ۱۹۹۶: ۱۹۹)

باری روبین^۴ در کتاب خود تحت عنوان انقلابیون و اصلاح طلبان در نهضت های معاصر اسلامی در خاورمیانه با اشاره به میزان تاثیر پذیری حرکت های انقلابی معاصر در جهان اسلام از وقوع انقلاب اسلامی ایران به طور مشخص به چگونگی تاثیر پذیری حرکت جهاد اسلامی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران و فاصله گرفتن آن از گرایشات ملی گرایانه ایی اشاره می کند که محور فعالیت سایر گروه ها و حرکت های انقلابی بوده اند. وی استقبال حرکت های دانشجویی در دانشگاه های فلسطینی از الگوی انقلاب اسلامی را نتیجه سرخوردگی جوانان فلسطینی، عملکرد سازمان های قومیت محوری نظیر اخوان المسلمین می داند. (روبین، ۲۰۰۳: ۴۹)

1. Bernard Lewis

2. Princeton

3. Raymond MacLearer

4. Barry Rubin

از دیگر جلوه‌های حضور انقلاب اسلامی در جهان اسلام می‌توان به تلاش ایران برای ایجاد همبستگی اسلامی میان ملت‌ها و دولت‌های اسلامی اشاره کرد. این تلاش در سه سطح رسمی، نیمه رسمی و غیر رسمی قابل مشاهده است. در سطح رسمی این تلاش در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و تلاش‌های دو جانبه دیپلماتیک میان تهران و پایتخت‌های جهان اسلام صورت می‌گیرد. نقطه اوج این جلوه را می‌توان در سال‌های ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی مشاهده کرد. این ریاست با میزبانی ایران از رهبران جهان اسلام در پائیز ۱۳۷۶ در تهران آغاز شد.

ج- سطح بین‌المللی:

تاثیر و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح جهانی و نظام بین‌الملل را می‌توان در چارچوب دستاورد-های درازمدت و کلان انقلاب اسلامی ایران مطالعه کرد. به چالش گرفتن وضع موجود در نظام بین‌الملل که به شدت به نفع قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر و به ضرر کشورهای کوچک و ضعیف است، مهمترین چالش میان ایران و واضعان و حامیان وضع موجود در نظام بین‌الملل است. نگاه مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» به نظام بین‌الملل:

بیشترین مواضع انقلابی رهبر معظم انقلاب مربوط به سیاست خارجی کشور است، زیرا غالباً توطئه‌ها و خطرات بزرگی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، از سوی دول استکباری است که در چارچوب نظام بین‌الملل رفتارهای هژمونیک و تضعیف کننده نظامات بین‌المللی از خود بروز می‌دهند.

مقام معظم رهبری اینگونه مواضع را از همان نخستین روزهای رهبری و قبل از هر اقدام و مورد خاص انقلابی، ابتدا در عمق بینش و ژرفای شخصیت انقلابی و نگاه جهان شمول خود در مورد اسلام و گسترش آن در همه عالم آشکار کردند، که حاکی از اعتقاد راستین ایشان به استمرار قاطعانه مسیری است که معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران فرا روی نظام جمهوری اسلامی گشودند و مهمترین مولفه استراتژی امام راحل را که طرح مبحث، تحقق حاکمیت دین مبین اسلام با پیروزی بر دشمنان اسلام و بر فراز عالم است پیگیری نمودند. معظم له در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۶۸ درست ۱۴ روز بعد از رحلت امام خمینی^(۵) در مراسم بیعت اقشار گوناگون مردم فرمودند:

«آینده خیلی روشن و امید بخش است، گویی به سمت چشمه‌ایی زلال در حرکت هستیم. طبیعی است که در بین راه با مشکلات و سختی‌هایی مواجه خواهیم بود. در چنین شرایطی

که خداوند رهبر و مراد و مرشدمان را نیز از ما جدا کرده، اگر برگردیم و یا تعلل و توقف کنیم، به او خیانت کرده ایم. باید راه را ادامه دهیم و شک نکنیم که نتیجه سعی و تلاش ما رسیدن به آن سرچشمه شفاف و زلال است. یعنی حاکمیت مطلق اسلام و دین خدا به صورت کامل و پیروزی همه جانبه اسلام بر دشمنان».

دقت نظر در منویات ایشان دال متعالی اسلام را شایسته محوریت در برقراری نظامات بین-المللی می‌داند و تراز سایر مکاتب را تأیید نمی‌نماید، که در فرازهای دیگر بیانات رهبری نظام نیز منعکس می‌باشد. به عنوان مثال ایشان در قضیه تهاجم ایالات متحده آمریکا و متحدینش به عراق به بهانه حمله ارتش عراق به کویت، که ایالات متحده سعی داشت با ارباب سایر دول، دولتمردان کشورمان را نیز مرعوب و با خود همراه نماید فرمودند:

«اولین مسأله‌ای که امروز در پیش روی مردم قرار دارد، عبارت از خوی تجاوزگری بی‌پایان ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ جهانی و در راستایشان آمریکاست... چرا یک کشور را اینطور ویران می‌کنید؟ چرا یک کشوری به صرف اینکه می‌تواند شلیک کند، به خود اجازه می‌دهد که به هر هدفی که دلش می‌خواهد شلیک کند؟ آخر به چه مناسبتی؟ آخر، این چه جنایتی است که انجام می‌گیرد؟ از این بزرگتر جنایتی متصور نیست؟ شما اگر جنگ دارید به میدان جنگ بروید، نیروهای نظامی آنجا هستند با آنها بجنگید... وای بر بشریتی که همین جنایتکاران پرچم داران حقوق بشر هم هستند». (بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم ۶۹/۱/۴)

مقام معظم رهبری با یک نگرش ژرف سیاسی که حاکی از شناخت دقیق نظام بین‌الملل است، با بررسی نظریه‌های مختلف سیاسی جهت تبیین بهتر معادلات سیاسی جهانی (نظریاتی مانند: واقعگرایی، آرمانگرایی، نو آرمانگرایی و نو واقعگرایی، سازه انگاری، رفتارگرایی) کنشگری مطلوب در چارچوب نظام بین‌الملل با سایر دول را تنها از رهگذر هنجارها، ایده ها، باورها و ارزش هایی مثبت و سازنده از جانب آن دول میسور دانسته و بر مسیر دیپلماسی سازنده با دول غیر شریر تاکید می‌نمایند.

نگاه مقام معظم رهبری به محیط نظام بین‌الملل در دوران پسا کنسرت

از مجموع فرمایشات امام خمینی^(ع) در مواقع گوناگون و در نزد اشخاص متعدد، همچنین بیانات و سخنرانی‌های ایشان بر می‌آید از جمله ویژگی‌های مثبت رهبری جهت احراز چنین

جایگاه رفیعی مواردی مانند: عقل و تدبیر، عمل به سیره نبوی و علوی، رافت و عطوفت اسلامی، امین بودن نسبت به بیت‌المال، ساده زیستی و مردمی بودن، داشتن تقوا و به ویژه تقوای سیاسی، دوری از پارتی بازی و امتیاز خواهی‌های ویژه بیان‌کننده خط مشی و وظایف شیعیان و به ویژه امت حزب الله، دوری از غرور خدمتگزاری به مظلومان و اقامه عدل، شایسته‌ترین و خدمتگزارترین شخص برای اسلام، اجتهاد در مسائل اجتماعی و حکومتی، و در نهایت خدمت به اسلام و مستضعفین و مقابله با هوای نفس می‌باشد که این مصادیق بنا به زعم امام راحل در رهبر معظم انقلاب تجلی یافته است. دقیقاً از همین منظر عقل و تدبیر و ملکه اجتهاد و ابتناء عملکردشان به سنت نبوی^(ص) و علوی^(ع) است که معظم له اصل تخصص، دشمنی و مواجهه با برخی دول استکباری را تصریحاً بیان نموده و دیپلماسی سازنده بر مبنای مدارا و مسالمت را با دول خارج از فاز استکباری راه، تجویز می‌نمایند. در همین رابطه ایشان می‌فرمایند:

«بنابراین تعامل با جهان در صورتیکه بر پایه ارزش‌های نظام و منافع ملی باشد، یک خط مشی مطلوب است. اما بر اساس آموزه‌های رهبری، این خط مشی اولاً: شامل رژیم اشغالگر قدس نمی‌شود و مبنای این امر ذات نامشروع این رژیم است. در مورد آمریکا نیز این خط مشی اثر گذار و مفید نیست. زیرا این کشور ذات خصمانه‌ایی دارد و با ماهیت و هویت اسلامی این کشور مشکل دارد. ضمن اینکه تجارب مذاکرات هسته‌ایی هم این نکته را اثبات کرده است.» (سایت مشرق، ۱۳۹۳/۵/۱۲)

نا گفته پیداست اتخاذ چنین مواضع مدیرانه‌ایی از جانب عالیت‌ترین رکن اجرایی کشور و سویه گیری ضد آمریکایی و صهیونیستی به علت تهدیدات ضدامنیتی است که دشمنان مانند سایر دول ضد استعماری از ناحیه آمریکا و رژیم صهیونیستی احساس نموده و با آن مواجه می‌باشند. زیرا نظام بین‌الملل در برهه کنونی به شدت متأثر از مواضع و تمایلات این دو موجودیت سیاسی است. اگر در این میان ذات نظام بین‌الملل را در برگیرنده دولت-کشورهایی قلمداد نمائیم که بیشترین تاثیر گذاری را بر سیاست بین‌الملل داشته و در ارکان سازنده این نظام (مانند سازمان ملل متحد و شورای امنیت و سازمان‌های وابسته به آن مثل: کمیته خلع سلاح^۱، فائو^۲، یونسکو^۳، یونیدو^۴، دیوان دادگستری لاهه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و... صندوق بین‌المللی

۱. Disarmament Committee

۲. FAO

۳. UNESCO

۴. Unido

پول، بانک جهانی و...) بیشترین نفوذ را دارند و البته قریب به اتفاق این دول تحت تاثیر لابی- های صهیونیستی می باشند، آن وقت فراست و هوشمندی رهبریت نظام در عدم اعتناء به این چارچوب بیشتر درک می گردد.

در حال حاضر همان نظام کنسرتی با حق تحفظ آمریکایی، اروپایی و صهیونیستی (تعیین مصادیق بود و نبود امنیت) در جهان حاکم بوده و هرگونه فراز و نشیب یا موضع دوستانه و خصمانه یکی از این سه ضلع جهانی با کشور- دولت و یا جریانات سیاسی بر موضع دو ضلع دیگر نیز تاثیر گذار بوده و برای آن مجموعه تعیین کننده است که این قاعده برای جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن رهبری نظام قابل قبول نیست.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارتباط با مواضع متکبرانه و متبخرانه قدرت های جهانی با سایر دول و کشورمان و برون رفت حکام منفعل و مرتجع منطقه از حالت وادادگی سیاسی و البته در تنبیهاتی برای مسئولین کشورمان از عدم واهمه در مقابل تشرهای آمریکایی می فرمایند:

«آنچه امروز برای ملت ها حقیقتا خطر محسوب می شود، تسلط روز افزون آمریکا بر ملتهاست. به چه حقی اینها اینقدر در امور ملتها مداخله می کنند؟ قدرت استکباری آمریکا چه مجوزی دارد که درباره کشورها حرف بزند، اظهار نظر کند و در امور داخلی شان دخالت نماید؟ اخیرا هم زمزمه دخالت سازمان ملل متحد را در انتخابات کشورهای آزاد بلند کرده اند. اینها می- خواهند یک هیئت رئیسه برای دنیا درست کنند. به شما چه؟ چه معنایی دارد که ملتها برای امورشان، حتی برای دموکراسی و انتخاباتشان منتظر بنشینند که از آن طرف دنیا چند دولت بیگانه بیایند و بر کار اینها نظارت کنند؟ با چه حجتی؟ فقط به حجت اینکه اینها زورشان بیشتر است؟ مگر منطق جنگل غیر از این است؟». (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۱۱/۱۸) اما همانگونه که گفته شد، مقام معظم رهبری با نگاه مساوات گرایی و نه هژمونیک محوری در نظام بین الملل موافق می باشند و مبنای تفکرشان مبتنی بر تحول گفتمانی و مفهومی قدرت در نظام بین الملل است که برخی از دول درون این ساختار به لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی دوران کنونی می بایست، اصل استیلاء بر سایرین را کنار گذارده و بر اساس چارچوب تعاملی «دیپلماسی سازنده» اقدام نمایند.

به تعبیر علمی سیاسی و همانطوری که اندیشمندان نظریه گفتمان همچون: ارنستو لاکلاو^۱ و شنتال موفه^۲ در تحول گفتمانی گفته اند و افرادی مانند: محمود علی نزهت و مارکس وبر^۳ به

^۱. Ernesto Laclau

آن استمرار بخشیده‌اند می‌بایست با معنا شناسی هر گفتمان و ساختارگفتمانی معنای متنی آن را شناخت و متناسب با آن رفتار و گفتار سیاسی را تنظیم و عمل نمود. (سویینی^۳، ۱۳۹۰: ۲۵) و رهبر معظم انقلاب با شناخت دقیق از معنای متنی کنونی نظام بین‌الملل که قدرت محوری گذشته تا حدود بسیار زیادی فلسفه محوری خویش را از دست داده خواهان رفتار، تعامل، مراد و دیپلماسی بر مبنای اصل مساوات، نزاکت و احترام متقابل هستند.

نگاه مقام معظم رهبری به بهره‌گیری از مزایای محیط نظام بین‌الملل

مقام معظم رهبری که از دوران اولیه زندگی سیاسی خود با مذاقه بسیار در متن تحولات داخلی و خارجی قرار داشته، هم به لحاظ تشخیص صحیح وقایع و جریان شناسی وقایع و رویدادها و هم به لحاظ کثرت حدوث مسائل در کشورمان هم در قبل از انقلاب، و هم از بدو شکل‌گیری انقلاب تا ارتحال امام خمینی^(۵) و دوران خطیر مسئولیت رهبری خویش تاکنون، به نظریه اندیشمندان فوق جامعیت داده (هم از حیث آشنایی با جنس مسائل سیاسی، امنیتی و اجتماعی و در کل نبوغ شخصی، و هم از حیث تاثیر پذیری از رویدادها و مسائل موجود) است. بدیهی است چنین شخصیتی تمامی ملاحظات را جهت تأمین عزت و اقتدار نظام ذیل سه مقوله عزت، حکمت، مصلحت کشور جمهوری اسلامی به کار می‌گیرد.

نگاه به تعامل و دیپلماسی نیز از جانب مقام معظم رهبری در همین راستاست و ایشان با در اختیار داشتن بینش قوی و تجربه ارزشمند سیاسی به ضرورت دیپلماسی با جامعه بین‌الملل و نظام حاکم بر آن واقف است و این نوع نگاه مؤید منافع موجود در نظام بین‌الملل برای کشور است. البته آن نوع از دیپلماسی و تحرک برای ایشان مطمح نظر است که در بر گیرنده عواید و منافع برای کشورمان باشد، که نیل این است. به مهم هم صرفاً از طریق قدرت و توانایی‌های درونی است. در همین خصوص معظم له می‌فرماید:

«ما از تحرک دیپلماسی دولت حمایت می‌کنیم، پشتیبانی می‌کنیم. در کنار آمادگی‌های همه جانبه ملت ایران- چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ امنیت داخلی، چه از لحاظ استحکام ساخت درونی نظام اسلامی، چه از لحاظ وحدت ملی، و چه از لحاظ نظامی. به تلاش و تحرک دیپلماسی هم چه در این قضایای سفر اخیر و چه غیر از آن، اهمیت می‌دهیم و از آنچه دولت

^۱. Shantal Muffah

^۲. Marx Weber

^۳. Sweeneyvn h,g fi gphz lfhp lgha

انجام می‌دهد و تلاش‌های دیپلماتیک و تحرکی که در این زمینه می‌کنند، حمایت می‌کنیم».
(بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۷/۱۳)

نگاه منظم و دقیق ایشان به ضرورت مقوله تعامل، حضور و فواید آن تا حدی ست که ایشان جهت استحکام بخشی برداشت و خروجی مثبت از این محیط، به اسباب و مولفه‌های تضمین این حضور نیز اشاراتی ارزشمند دارد. در همین ارتباط رهبری عالیقدر حضرت آیت ا... خامنه-ایی می‌فرمایند:

«در عرصه دیپلماسی هم آن کشوری موفق است که متکی باشد به نیروی درون زاء، آن دولتی می‌تواند در پشت میز مذاکره‌ای دیپلماسی حرف خودش را سبز بکند و به مقصود و نتایج مورد نظر خودش دست پیدا بکند که متکی باشد به یک اقتدار درونی، توانایی‌های درونی، حساب می‌برند از یک چنین دولتی» (بیانات دیدار دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲)

این نگاه هوشمندانه حاکی از ضرورت حضور در فضای بین‌المللی است که فواید ذیل را در بر می‌گیرد:

- ۱- تحرک دیپلماتیک ضرورتاً آمادگی کشور و توانمندی کشور را به همراه دارد.
- ۲- عناصر این توانمندی و آمادگی از پتانسیل‌های داخلی است. لذا حضور دیپلماتیک نگاه به مؤلفه‌های درونی قدرت را به همراه دارد.
- ۳- از منظر ایشان تعامل و دیپلماسی زمینه حصول اهداف و مقاصد یک کشور است.
- ۴- حضور عزتمندانه و مقتدرانه در عرصه تعامل و دیپلماسی باعث اعتبار یک کشور می‌گردد.
- ۵- اگر کشوری مواضع خاصی دارد اعلام و انتشار رویکردهایش تنها از ناحیه حضور در معادلات جهانی - منطقه‌ای و... با ابزار دیپلماسی میسر است.

مع الوصف با عنایت به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارتباط با مزایای دیپلماسی در صحنه نظام بین‌الملل و در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی صاحب‌نظران مسائل سیاسی و امنیتی قائل به تحقق آن از مجرای دیپلماسی می‌باشند.

این صاحب نظران همه آن چیزی را که یک کشور به دنبال نیل به آن است تحت عنوان (اهداف عمومی) عنوان نموده که به عنوان اهداف بلند مدت، آرمانی و اعتقادی تلقی می‌گردند. این گروه که چهره شاخص آنها نظری پرداز برجسته بین‌المللی؛ کی. جی. هالستی می‌باشد،

تأمین منافعی چون قدرت‌سازی، امنیت‌سازی و بقای سیاسی را از زمره این اهداف عمومی به شمار می‌آورند. (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۶)

منطبق با فرایند سیاست‌گذاری‌های کلان در کشورمان که این سیاست‌ها و استراتژی‌ها برگرفته از اراده عالی حاکمیتی و دیدگاه‌های رهبری می‌باشد، سیاست‌گذاری‌ها و رفتارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در حقیقت واکنشی طبیعی و هدفمند به شرایطی محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. مثلاً در خصوص سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در افق (۱۴۰۴ ه. ش) تمامی مساعی کشورمان معطوف است به اینکه ایران به کشوری تبدیل شود که:

۱- از مدار در حال توسعه خارج شده و به فضای توسعه‌یافتگی تغییر جایگاه دهد.

۲- به موقعیت برتر علمی، اقتصادی و تکنیکی در منطقه تبدیل گردد.

۳- بر این امر تأکید شده است که باید «هویت اسلامی و انقلابی» جمهوری اسلامی باقی بماند.

۴- الهام بخش جهان اسلام باشد و از این طریق قادر بر تأثیرگذاری بر اندیشه، رفتار و

ساختار سیاسی جهان اسلام گردد.

۵- پنجمین هدف جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب برنامه چشم‌انداز توسعه باید

تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل دانست که باید بکوشد تا موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خویش را از طریق مشارکت و همکاری با سایر بازیگران به دست آورد.

اهمیت دیپلماسی عمومی از منظر مقام معظم رهبری

به طور کلی، آیت‌الله خامنه‌ای، نظام بین‌الملل کنونی را به صورت واقع‌گرایانه‌ای درک می‌کند: «در دنیای قانون جنگل، هر ملتی باید به فکر خودش باشد و خود را تقویت کند». (بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۰۴) چنین گزاره‌ای، مخاطب را به سوی نظریه واقع‌گرایی رهنمون می‌شود. بر همین اساس، فرآیند دیپلماسی را نیز طبق آن منطق معرفی می‌نماید، فرآیندی که در آن برد و باخت اهمیت دارد. ایشان می‌فرماید: «دیپلماسی، یک جنگ است». (بیانات، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱) در همین ارتباط تأکید می‌شود که «سلاح مهم است و مرد مسلح، توانای دفاع است؛ اما مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است. این آن چیزی است که اقتدار ملی یک کشور را به صورت یک اقتدار معنوی و حقیقی و غیر قابل زوال در می‌آورد». (بیانات، ۱۳۸۷/۰۷/۲۸) بنابراین می‌توان به اهمیت مسائل مربوط به قدرت نرم که از سنخ اقتدار معنوی است، در منظومه فکری ایشان پی برد؛ بر همین اساس و با شناخت این مقوله است

که ایشان جنگ امروز علیه ج.ا. ایران را نه از نوع سخت بلکه از نوع جنگ فرهنگی و عقیدتی (جنگ نرم) می داند و تأکید دارند که مبارزه دشمن، مبارزه تبلیغاتی است و بوق های تبلیغاتی دشمن همه فضاهای ممکن را علیه ملت ایران پر می کند». (بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۲۸) در چنین نبردی، فرهنگ و دفاع از آن در صدر همه امور قرار می گیرد. با این وصف، ایشان رسالت «آگاهسازی» (سایر ملتها را برای دستگاه سیاست خارجی تعریف نموده و در دیدار رئیس جمهور و هیات دولت، می فرماید: «در زمینه سیاست خارجی باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران، انگیزه و هدفش این است که می خواهد با فکر خود، با نیروی خود، با اراده خود، در راه سعادت خود قدم بردارد». (بیانات، ۱۳۷۷/۰۶/۰۲) بنابراین می توان گفت کار آمدترین ابزاری که در این عرصه (آگاه سازی سایر ملتها) بهترین کارایی را دارد، دیپلماسی عمومی است.

اهداف دیپلماسی عمومی از منظر مقام معظم رهبری

صدور انقلاب: سابقه به کارگیری دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران به سال های اولیه انقلاب باز می گردد. بر این اساس، ج.ا.ا. در قبال کشورها و حکومت های متخاصم بر مبنای اولویت و ارجحیت رابطه با ملتها، از دیپلماسی عمومی سود برد. از این رو دیپلماسی عمومی طبق تعاریف گفته شده اشتراکات و شباهت های زیاد با اصل صدور انقلاب دارد تا آنجا که برخی آن را همان اصل صدور انقلاب قلمداد می کنند. در واقع بحث دیپلماسی عمومی در ایران چند سالی است که با این عنوان به کار می رود، اما باید گفت که دیپلماسی عمومی ایران با انقلاب اسلامی آغاز شد و بحث صدور انقلاب، همان دیپلماسی عمومی است. چرا که هدف در دیپلماسی عمومی مانند صدور انقلاب، عموم جامعه است و مردم در کانون محوری آن قرار دارند. (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۰: ۶)

رهبر انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم همانند امام خمینی، صدور انقلاب را صدور مبانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بیان می کند: «صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش های انسانی، ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می کنیم. این، راه انبیا است و ما این راه را باید ادامه دهیم، چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟! چرا باید شرم کنیم از اینکه غیرت و حمیت صحیح و ایستادگی در مقابل قدرت-

های باطل را به صورت درس عملی به ملت‌های دیگر ارایه و تعلیم بدهیم؟ ملتها باور نمی‌کنند که بشود با عوامل و مزدوران قدرت‌های استکباری در افتاد. ما در افتادیم و پیروز هم شدیم، چرا این عمل و تجربه خودمان را در اختیار افکار عمومی ملتها نگذاریم؟ ما این انقلاب را صادر می‌کنیم، صدور انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره همه مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کرده- ایم». (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹)

مقام معظم رهبری پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران را عدالت می‌دانند امروز مهم‌ترین حرف نظام اسلامی، عدالت است. ایشان عدالت را پیام اسلام برای همه جوانان دنیا معرفی می‌نمایند و جاذبه این شعار بر محتوای نظام جمهوری اسلامی را برای جوانان دیگر کشورها نیز یادآور می‌شوند. «در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل، در گفتمان- های موضعی و در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود، سه عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد». (حدیث ولایت، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷) بر همین اساس به باور ایشان «مردم، در هر جای دنیا که هستند، قلباً طرفدار حق و عدالتند. حتی اگر بازویشان همکاری نکنند، اما قلبشان عدالت را دوست می‌دارد و می‌فهمند که اینجا صادقانه حرکت می‌کنند». (بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹)

بنابراین معظم له بر جذابیت عدالت خواهی تأکید داشته و بیان می‌دارند: «امروز پیام اسلام پیام جذابی است. پیام ما پیام عدالت است پیام ما پیام نجات انسانها و نجات جوانهاست». (حدیث ولایت، ۱۳۷۱/۰۴/۰۲) در تکمیل مباحث فوق، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما با معیار عدالت بین‌المللی گرایش به معنویت، کرامت دادن به نوع انسان و گرایش به دین خدا و به معنویت و اخلاق معنوی سرکار آمدیم، ما با معیار تن ندادن و قدرت طلبی و زیاده خواهی سیطره جویان عالم سرکار آمده‌ایم اینها معیارهای جمهوری اسلامی است». (حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸)

مخاطبان دیپلماسی عمومی از منظر مقام معظم رهبری

بدون شناخت دقیق مخاطبان، نمی‌توان برنامه ریزی دقیقی برای تأثیرگذاری در ادراکات آنها داشت. تعریف مخاطبان مورد نظر به اوضاع و احوال داخلی و خارجی، رویدادها و گرایش‌های

تاریخی که در گذر زمان شکل گرفته‌اند، بستگی دارد. برای مثال مخاطبان مورد نظر را می‌توان بر پایه عواملی مانند زبان، عقاید مذهبی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، شغل و ... تعریف کرد. درک درست از ویژگی‌های مخاطبان ما را در توصیف عقاید، نگرش‌ها و دریافت‌های آنها از کشورمان یاری می‌کند. (یزدان فام، ۱۳۹۳: ۴۴ - ۴۳) در این رابطه باید توجه نمود که باید بر مخاطبانی تمرکز داشت که بیشترین نسبت را در تأمین منافع دارند، نه اینکه نفوذ در آنها آسان تر است. (یزدان فام، ۱۳۹۳: ۵۸) در همین راستا با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب ایران، رهبری بر توجه نسبت به ملت‌های مسلمان تأکید دارند. معظم له می‌فرماید:

بر مسائل جامعه خود در راستای منافع کشور محل تحصیل شان اقدام کنند. این همان نکته ای است که رهبری بر آن تأکید دارند و به دانشجویان توصیه می‌کنند تا ارزش‌های انقلابی را درک و سپس اشاعه دهند. شیخ عیسی قاسم، روحانی بحرینی و سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان از جمله افراد نامداری هستند که بخشی از تحصیلات خود را در ایران گذرانده‌اند. استفاده از عرصه ورزش: برای پی بردن به اهمیت این موضوع، کلام آیت الله خامنه‌ای گویاتر از هر چیزی است. ایشان خطاب به قهرمانان ورزشی می‌فرماید:

«اینکه شماها در میدان‌های ورزشی، با اخلاق انسانی و با جوانمردی ظاهر شوید - و خوشبختانه ظاهر می‌شوید - از نظر بینندگان بین‌المللی، که امروز دیگر میلیون‌ها و در مواردی میلیارد‌ها تماشاچی وجود دارد و مطلع می‌شوند، پیام آور یک حقیقتی است از داخل کشورتان، که این حقیقت را با هیچ زبان دیگری نمی‌شد تبلیغ کرد. یک قهرمان با جوانمردی خودش تبلیغ می‌کند. با تدوین خودش تبلیغ می‌کند. این مسئله بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان می‌روند، خیلی چیز مهمی است به شما پیام‌هایی را می‌رساند که این پیام‌ها با هیچ وسیله‌ای قابل رساندن نیست: پیام عزم و اراده، پیام ایستادگی پیام ایمان، ورزشکار ما بعد از پیروزی در آن چنان میدانی و در جایگاه اول جهان قرار گرفتن، شعار «یا حسین» سر می‌دهد؛ یا می‌افتد روی خاک سجده می‌کند یا دستش را بلند می‌کند و خدا را شکر گزاری می‌کند. می‌دانید امت اسلامی و ملت‌های مسلمان با این کار چه هیجانی پیدا می‌کنند؟ دنیایی که سعی می‌کند همه را، به خصوص جوانها راه به سوی بی ایمانی و لالایی گری و پشت کردن به معنویات سوق دهد، یک جوان برجسته ما - نه یک جوان معمولی - در میدان ورزش این جور اقبال خودش را به معنویات نشان می‌دهد. اینها خیلی کارهای اثرگذار و مهمی است». (بیانات،

(۱۳۹۱/۱۲/۲۱)

شاخص‌های دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی

مقام معظم رهبری، به دلیل قدرت انتقال مفاهیم عالی اسلامی نرم افزارانه موجود در مقوله «دیپلماسی عمومی» بر این اعتقاد می‌باشند که از طریق حسن ارتباط گیری با گروه‌ها، اقوام، جمعیت‌ها، رده‌ها، سمن‌ها، و احزاب سیاسی غیر حکومتی و در چارچوب تئوری اقوام پراکنده یا همان گروه‌های موافق گفتمان نرم و دیپلماسی سازنده، که به نوعی با اسلام و جمهوری اسلامی ایران همسویی دارند می‌توان در زمینه تامین امنیت ملی مطلوب و در فضای ناپایدار امنیتی در خاورمیانه به موفقیت بیشتری نائل آمد. شاخصه مهم دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری که برگرفته از خط امام(ره) می‌باشد به شرح ذیل می‌باشد:

- با اسرائیل هرگز معامله نمی‌کنیم: شاخصه عمده این است که ما الگوهای تحمیلی دنیا که باید گفت الگوهای تحمیلی غرب را در مورد نظام سیاسی، در مورد نوع ارتباطات دیپلماتیک، در مورد نوع تعامل با مسائل جاری عالم حاضر نشدیم قبول کنیم. چند تا شاخص اصلی دارد: مسأله اسرائیل است؛ مسأله ملتها و بعضی نهضت‌هاست؛ خود مسأله آمریکاست. (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۵/۲۵)

- خط امام^(۵) در سیاست خارجی: سیاست خارجی ما عبارت است از روابط سالم و منطقی به خصوص با کشورهای مسلمان، به خصوص با کشورهای جهان سوم، به خصوص با کشورهای همسایه. (بیانات رهبری، ۱۳۶۳/۵/۱۵)

- سرعت عمل در مسائل جهان: سرعت عمل بسیار مهم است. در مسائل جهانی هر تصمیمی گرفته می‌شود، باید با سرعت عمل باشد. توقف، تردید و درنگ بی دلیل به هیچ وجه جایز نیست. (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۵/۲۷)

- اصل نه شرقی و نه غربی غیر قابل خدشه و تغییر است: بر اساس این اصل، سیاست ما تابع هیچ رکنی نه شرق و نه غرب نخواهد شد و این جزو اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییرپذیر نیست. این، اصلاً سیاست نیست؛ بلکه مبنا و پایه نظام است و منافاتی هم با ارتباط ندارد.

- نمی‌توانیم از مواضع نظام عدول کنیم: ما به عنوان یک نظام، فرق‌های عنصری و جوهری با تقریباً همه نظام‌های دنیا داریم که کاریش هم نمی‌شود کرد. ما نباید از حرف هایمان عدول کنیم در غیر این صورت آن زمان، جمهوری اسلامی فقط یک اسم خواهد بود. (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۵/۱)

- نفی شرق و غرب بیت الغزل انقلاب است: عدم وابستگی به قدرت های بزرگ شرق و غرب. این انگیزه سیاسی و اعتقاد سیاسی در ما در این جا افتادگی سیاست خارجی ما مؤثر بوده، اگر این را ما از دست بدهیم خیلی چیزها را از دست خواهیم داد. (بیانات رهبری، ۱۳۶۲/۷/۱۲)

- نکته ای اصلی که باید در ذهن دیپلمات ها باشد: اهداف راهبردی و قواره کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده؛ این، آن نکته اساسی و اصلی است که در ذهن همه کارگزاران سیاست خارجی ما بایستی وجود داشته باشد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵)

- دیپلماسی یک جنگ است: دیپلماسی یک جنگ است. در جنگ، زد و خورد و دعوا هست؛ اگر کسی غفلت کرد، کتک می خورد. ما هیچ خلاف انتظارمان نبود که در یک ماجرای جنگ دیپلماسی، به خاطر غفلت خودمان ضربه ای بخوریم. (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۸/۲۷)

- دوست یابی برای ایران: امروز اگر چنانچه جمهوری اسلامی دوستان قابل اطمینانی پیدا نکند در دنیای سیاست قطعاً سیاستمداران دنیا با ضربات سخت سیاسی جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار خواهند داد و او را خواهند شکست، در این شکی نیست و هیچ چیزی نمی تواند مانع بشود، ما مجبوریم که این را داشته باشیم. (بیانات رهبری، ۱۳۶۳/۵/۱۵)

- مجموعه سازی در سیاست خارجی: یکی از کارهای اساسی برای ما مجموعه سازی است. کار سختی هم هست؛ لیکن بسیار کار موفقی است. ایجاد مجموعه های متناسب به بهانه های گوناگون؛ از قبیل اکو - که یک مجموعه اقتصادی است - و از این قبیل چندتای دیگر هم به وجود آمده بود. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۵/۲۵)

- آسیب پذیری در صورت عدم تعمیق جبهه سیاسی در جهان اسلام و منطقه: ما با ارتباط با کشورهای این منطقه، منطقه عربی و اسلامی خودمان را در مقابل ضربات جهانی مصونیت می توانیم ببخشیم. اگر فکر کنیم ما یک دو سال دیگر، پنج سال دیگر، پانزده سال دیگر، به وضعی خواهیم رسید که دیگر علیه ما توطئه ای در دنیا نخواهد شد و استکبار جهانی علیه چیزی به نام انقلاب اسلامی با همان هویت در حقیقت انقلابی معارضة نخواهد داشت این حرف تصور ساده لوحانه ای است. (بیانات رهبری، ۱۳۶۳/۱۱/۳۰)

- استفاده از ظرفیت های جهان اسلام: یکی از راهکارهای استفاده ظرفیت بالای جهان اسلام، این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی همان مقدار که ممکن است دعوت کنیم. (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۵/۲۷)

- توجه به معنای بیداری اسلامی: بیداری اسلامی به معنی این نیست که همه ملت‌ها و همه آحادی که در این بیداری سهیم‌اند، به صورت منطقی و استدلالی مبانی فکری یک نظام اسلامی را شناخته‌اند، بلکه به این معناست که احساس هویت اسلامی در میان توده‌های مسلمان، در همه جا، به وجود آمده است. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵)

- ارتباط با کشورهای آفریقایی: از روابط اقتصادی برای کیفیت دادن به روابط سیاسی باید استفاده بشود. (بیانات رهبری، ۱۳۶۲/۱۰/۱)

- آنچه باعث دشمنی با ما شده است: همان چیزی که موجب دشمنی‌ها با ماست، همان چیز موجب پیشرفت دیپلماسی ماست. یعنی همین روحیه اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلامی و طراحی یک راه و فرهنگ و تمدن نو برای بشریت که این کشور و این انقلاب و این نظام، این کارها را انجام داده است، موجب دشمنی‌ها با ماست. (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۵/۱۶)

- خط درست دیپلماسی: اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شد و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است. (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۵/۳۱)

- معنای درست انقلابی‌گری در دیپلماسی: انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن درمقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۵/۳۱)

- لزوم بیان صریح مواضع: مواضعتان را در عرصه‌های دیپلماسی، صراحتاً بگویید؛ البته در مکان و زمان مناسب. خجالت نکشید از اینکه بگویید «جمهوری اسلامی، یک نظام مرفعی و پیشرفته است» که البته هم هست. (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲)

- عقل دیپلماسی: همیشه باید یک عقل دیپلماسی بر کارهای دیپلماسی ما حکومت کند. عقل دیپلماسی یعنی همان چیزی که بین این هدف و این مبارزه اصولی و ظرافت‌های دیپلماسی که نیاز ما را برآورده خواهد کرد، جمع می‌کند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲)

- ایران اسلامی؛ یکی از قویترین کشورها در دیپلماسی: ایران در صحنه دیپلماسی، امروز یکی از قویترین کشورهای دنیاست. چه قبول بکنند و چه نکنند، واقعیت قضیه این است. ایران کشوری است که این اقتدار و این توانایی و جوهر را در درون خودش دارد که در مقابل

بزرگترین قدرت جهان که کشورهای اروپایی حتی با احتیاط در مقابلش حرف می زنند بایستد و صریحاً حرف های او را رد کند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۸/۲۷)

- بدترین نوع دیپلماسی: ابتکار عمل در مسأله ارتباطات خارجی، بسیار مهم است. اینکه کشوری با دیپلماسی منفعل منتظر باشد دیگران چه می گویند و چه می کنند و بر اساس آن و به مقتضای ضرورت و موقعیت تصمیم بگیرد، بدترین شکل دیپلماسی است؛ باید از این به شدت پرهیز کنیم مراقب باشیم این طور پیش نیاید. (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۵/۲۷)

- کیفیت مهم تر از کمیت: اگر چه کمیت در کار دیپلماسی مهم است سفرهای زیاد، ملاقات های زیاد، گفتگوهای زیاد اما کیفیت، اهمیتش بیشتر است. هر ملاقات دیپلماسی، هر حرکت دیپلماسی، هر جوله دیپلماسی به کشورها، اینجا، آنجا، بایستی سنجیده، حساب شده و متکی بر پیش بینی های درست باشد تا بتواند اثر خودش را ببخشد؛ یعنی دیپلماسی کیفی. (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۹)

- دلیل تاثیرگذاری جمهوری اسلامی در جهان: امروز اینکه یک دولت، صریح و آشکار و بدون هیچ ملاحظه ای اعلان کند و همه بدانند این اعلان درست است که برای ارتباطاتش، برای قبول فلان صلح منطقه ای، برای قبول فلان قرار بین المللی نادرست به نظر او، هیچ فشاری را قبول نمی کند، غیر از شما کسی نیست. این در دنیا احترام برانگیز است؛ این نکته خیلی مهمی است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۵/۲۵)

- استقرار مخالفت با سلطه پذیری در سطوح دولت ها و ملت ها: ما با نظام ارباب رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده مخالفت با سلطه گری و سلطه پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین المللی در سطح دولت ها و ملت ها استقرار دهیم. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵)

- میدان سیاست خارجی میدان تلاش طلبی: نباید این طور باشد که اگر ما در مسأله ای یا در منطقه ای از خودمان ناتوانایی نشان دادیم و ناتوانی اثر نامطلوبی برای ما به وجود آورد، آن را به حساب تفکرات و آرمانها و اصول خودمان بگذاریم؛ نه، بلکه باید آن را به حساب ناتوانی خودمان بگذاریم. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵)

- جدی گرفتن تهدیدات: تهدید را کاملاً جدی بگیرید؛ یعنی به هیچ وجه در محاسبات خودتان از جدیت تهدید پایین نیابید. منتها تهدید جدی، معنایش تهدید حتمی نیست؛ هیچ حتمیتی وجود ندارد اما در جدی بودنش تردید نباید کرد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۵/۲۷)

- تبدیل شدن تهدیدها به فرصت‌ها با مهارت دیپلماسی: اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصت‌ها تبدیل گردد. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۵/۲۵)

- گشایش و راحتی باید به بهایش بیارزد: یک دیپلماسی قوی و کامل و کارآمد و مسلط بر خود و غیر منفعل، دیپلماسی ای است که می‌نشیند محاسبه می‌کند؛ می‌گوید در مقابل این گشایش که برای من خواهد شد، من چه بهایی باید بپردازم؛ و آن گشایش را مشخص کند که چقدر گشایش است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۵/۲۵)

- ذلت و مرگ ملت در صورت پذیرش رابطه استکباری آمریکا: سیاست آنها بر این متکی است که نگذارند این کشور از لحاظ اقتصادی پیشرفت کند؛ البته تا آنجا که بتوانند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۵/۲۵)

- رابطه با آمریکا: بنده معتقدم آن روزی که ایران بگوید خیلی خوب، آقای آمریکا ما حاضریم با شما رابطه برقرار کنیم؛ آن همان روزی است که آمریکا بگوید نه، متأسفانه نمی‌شود؛ شما بایستی این کارها را بکنید، این شرط‌ها را عمل کنید تا ببینیم چه می‌شود. یعنی بعد از آنکه شما یک بار خودتان را شکستید و رابطه را قبول کردید، آن وقت دست می‌گذارد پشت گردنتان، صورتتان را هم توی خاک می‌مالد، خوب نابودتان می‌کند، بعد رهایتان می‌سازد، رابطه هم برقرار نمی‌شود! در آن شرایط، رابطه برای هر ملتی که چنین رابطه‌ای را قبول کند، مرگ است. هیچ کس حق ندارد مرگ این ملت را، ذلت این ملت را قبول کند، هر که می‌خواهد باشد؛ من هم حق ندارم، مسئولین دیگر هم حق ندارند، وزارت امور خارجه هم حق ندارد. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۵/۲۷)

در این قسمت قسمتی از بیانات حضرت امام خمینی^(ع) در رابطه با شاخص‌های فوق‌الذکر بیان می‌شود:

- صدور انقلاب: امام^(ع) درباره صدور انقلاب می‌فرمایند: ما باید با شدت هر چه بیشتر انقلاب خود را به جهان صادر کنیم و این طرز فکر را که قادر به صدور انقلاب نیستیم، کنار بگذاریم زیرا اسلام بین کشورهای اسلامی تمایز قائل نیست. ما حامی تمام محرومان هستیم. همه ابر-قدرت‌ها و همه قدرت‌ها برای از بین بردن ما برخاسته‌اند. اگر ما در محیط محدودی باقی بمانیم، قطعاً با شکست روبه‌رو می‌شویم.

البته ایشان برای جلوگیری از سوءاستفاده از معنای صدور انقلاب و برداشت‌های منفی از آن یادآور می‌شوند که: اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنی غلط را از

آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند، دست آنها را از مخازن کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. معنی صدور انقلاب این است که همه ملت‌ها و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات بدهند.

- نفی سبیل: از دیگر اصول سیاست خارجی امام خمینی^(ع)، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است و در این ارتباط فرموده‌اند: ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه.

- احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر: امام^(ع) در این مورد قائل به این است ما همه تابع اسلام و دلسوز برای بشر هستیم. حضرت امام^(ع) در موارد متعدد به این مساله یعنی روابط حسنه و متقابل در سیاست خارجی اشاره کرده‌اند. وقتی خبرنگار مجله آمریکایی تایم از ایشان می‌پرسد «در جمهوری اسلامی به طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟»، امام پاسخ می‌دهند: جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و به احترام متقابل، قائل است؛ در صورتی که آنها هم به احترام متقابل قائل باشند.

- نفی ظلم و حمایت از مظلوم: امام خمینی^(ع) با استناد به سیره انبیاء، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌داند که برنامه آن در دو کلمه «نه ستم کنید، نه مورد ستم قرار گیرید؛ لا تظلمون و لا تُظلمون» خلاصه می‌شود.

- نه شرقی - نه غربی: این اصل در واقع یکی از شعارهای اساسی مردم در دوران انقلاب و برگرفته از سخنان امام خمینی^(ع) بود که در موارد متعددی به این مسئله اشاره کرده‌اند: ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باشد.

- کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش: از دیدگاه امام خمینی(ره) برای رهایی مستضعفان از شر فساد و بر خورداری از یک زندگی شرافتمندانه انسانی، باید مستضعفان دست در دست یکدیگر داده و قدرت مستکبران را محدود کنند و در این راه سیاست ایران بر حمایت از آنهاست: جمهوری اسلامی ایران هم در کنار شما و هم در کنار همه مسلمانان، بلکه در کنار همه مستضعفان جهان خواهد بود.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی از جمله مفاهیم جدیدی است که در روابط بین‌الملل و به ویژه دوران پس از جنگ سرد ارزش و اهمیت خود را در دستگاه سیاست خارجی کشورها نشان داده است. در این پژوهش مفهوم دیپلماسی عمومی و اشکال مختلف آن از منظر مقام معظم رهبری مورد تجزیه و تحلیل و براساس آن دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام از لحاظ سلبی و ایجابی مورد بررسی قرار گرفته است. در بیشتر جنبش‌های اسلامی، تأثیر ایران انقلابی غیر مستقیم بوده، و ایران عمدتاً نقش الگو را داشته است، نه مداخله‌گر و مستقیم. این نکته به ویژه در دوره آغازین پس از آن صادق بود که سنی و شیعه در سراسر جهان اسلام، شهادت و ایمان انقلابیون را می‌ستودند و ایران با بنیادگرایی و احیاءگرایی اسلامی مترادف شمرده می‌شد. آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام فرهنگی، به عرصه آوردن این قدرت عظیم و بیکران. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و امت اسلام. این دو تا پرچم برافراشته به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست پرچم اول که در حقیقت یک بعد از دعوت فرهنگی امام و نهضت امام است مربوط به امت بزرگ اسلامی است پرچم دوم هم اگر چه مربوط به ملت ایران است، مربوط به مسلمانان و ایرانی است، اما چون یک تجربه عملی از تحرک حیات بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت ساز است، چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه عملی بیداری اسلام بود، بنابراین اگر چه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است اما نتیجه آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است». (حدیث ولایت، ۱۴/۳/۱۳۸۸) علاوه بر تلاش‌های گسترده و مهمی که باید به منظور رفع ضعف‌های موجود در جهت مقابله با تهدیدات کنونی یا در حال ظهور علیه کشور در حوزه ارتقاء دیپلماسی فرهنگی در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی - فرهنگی انجام بشود، باید با به برنامه ریزی‌های منسجم برای ارتقاء دیپلماسی نرم و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توجه داشت که پیش از قابلیت افزایی و به عبارتی تقویت پیش ساختها، ورود عجولانه به صحنه عملیات در خوشبینانه‌ترین نگرش، تأثیرات مقطعی و در نگاهی واقعیت‌انگارانه، پیامدهایی مخربی در پی خواهد داشت.

فهرست منابع

کتاب

- ابراهیم متقی، زهره پوستین چی (۱۳۹۰)، الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم، دانشگاه مفید
- حدیث ولایت (۱۳۹۴)، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی
- حسن خانی، محمدحسن (۱۳۸۷)، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، مقاله انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- خمینی، روح الله موسوی (۱۳۷۹)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره)
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، راهبردهای سیاست خارجی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری، تهران، انقلاب اسلامی
- سویینی، آلن (۱۳۹۰)، دیپلماسی؛ ابعاد و مولفه‌ها، تهران، وزارت امور خارجه
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، نقدی بر ادبیات تحول با رویکرد هندسه قدرت جهانی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی
- ملیسن، آلن (۱۳۸۷)، مبانی دیپلماسی عمومی در نظام بین الملل، ترجمه وحید مشرقی، تهران، وزارت امور خارجه

مقالات

- محمد جعفر جوادی ارجمند، مرتضی اسمعیلی (۱۳۹۰)، جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان، فصلنامه سیاست. دوره ۴۲، شماره ۳
- ناصر هادیان، افسانه احدی (۱۳۸۸)، جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه روابط خارجی، دوره اول، شماره ۳
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۳)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

بیانات

- دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم ۶۹/۱۱/۴

- دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۱۱/۱۸
- مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۷/۱۳
- دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲

خبرگزاری

سایت مشرق، ۱۳۹۳/۵/۱۲

English Resources

Book

- Berridge, G. R. & Alan James. (2001), **A Dictionary of Diplomacy**, New York: Palgrave MacMillan
- Lewis, Kennon (1996), **U.S. Public Diplomacy: Background and Current Issues** (CRS Report for Congress), Congressional Research Service, December 18
- Melissen, Jan. (2005), **The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice**, in Jan Melissen (Ed.). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*. New York: Palgrave MacMillan
- Robin, David. (2003), **Noopolitik: A New Paradigm for Public Diplomacy**, in Nancy Snow and Philip M. Taylor (Eds.). *Routledge Handbook of Public Diplomacy*. London and New York: Routledge
- White, Brian. (2001), **Diplomacy**, in John Baylis and Steve Smith (Eds.), *The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations*. Oxford: Oxford University Press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی